

رابطه‌ی هوش معنوی، هوش اجتماعی و اضطراب مرگ در سالمندان

خدیجه روشنی^۱ / دکتر فرح نادری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۲۰ / تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۸۹/۰۴/۳۰ / تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۵/۲۷

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ سالمندان است. این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بود و دویست سالمند شهر اهواز با روش نمونه‌گیری مرحله‌ای انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها از مقیاس هوش معنوی ISIS، مقیاس هوش اجتماعی ترومسو و مقیاس اضطراب مرگ کالت - لستر استفاده شد. داده‌ها به روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری و با استفاده از نرم افزار SPSS version-16 تجزیه و تحلیل شد. بر اساس نتایج به دست آمده هوش معنوی با اضطراب مرگ سالمندان رابطه‌ی معناداری دارد. هم چنین طبق نتایج تحلیل رگرسیون از میان متغیرهای پیش بین تنها متغیر هوش معنوی پیش بینی‌کننده‌ی اضطراب مرگ بود. در کل، با توجه به بر اساس یافته‌های این پژوهش، رشد هوش معنوی از میزان ترس از مرگ در سالمندان می‌کاهد، اما رشد هوش اجتماعی رابطه‌ای با کاهش اضطراب مرگ ندارد. پس راه‌هایی که ممکن است منجر به افزایش میزان هوش معنوی در افراد شود پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: سالمندان، هوش معنوی، هوش اجتماعی و اضطراب مرگ

^۱ دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، گروه روان‌شناسی

^۲ استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، اهواز، ایران

ایمیل: f.naderi@srbiau.ac.ir

مقدمه

هوش یکی از چالش برانگیزترین مفاهیم تاریخ روان‌شناسی است. گفته می‌شود همان‌طور که افراد بشر از نظر شکل و قیافه‌ی ظاهری با هم متفاوتند به لحاظ خصایص روانی چون هوش، استعداد و... نیز با هم تفاوت‌های آشکاری دارند. مطالعه‌ی نوشته‌های دانشمندان و فلاسفه‌ی قدیم نشان می‌دهد که انسان از گذشته‌های بسیار دور متوجه این تفاوت بوده است (شریفی، ۱۳۸۶). هرگاه به هوش می‌اندیشیم مفهوم هوشبهر یا IQ^۱ به ذهن می‌آید که تا مدت‌ها تصور می‌شد که سنجش آن راهی سریع و مطمئن برای متمایز کردن افراد عادی از افرادی با عملکردهای استثنایی است. (برادبری و گریوز، ترجمه‌ی ابراهیمی، ۱۳۸۷). در سال‌های اخیر محققان برجسته به نام‌های دانا زهر و همسرش یان مارشال^۲ به وجود هوشی به نام هوش معنوی^۳ پی بردند که می‌توان با آن مشکلات معنا و ارزش را حل کرد. این هوش ما را قادر می‌سازد تا زندگی مان را گسترده‌تر و غنی‌تر کنیم با معنا بخشیدن به مفاهیم و مسیر فعالیت‌هایمان را تشخیص دهیم و به این وسیله مسیر زندگی مان پررنگ‌تر از زندگی دیگران شود (زهر و مارشال، ۲۰۰۱). تونی بوزان^۴ (۲۰۰۱) هوش معنوی را یکی از هفت نوع هوش به شمار آورده است و آن را به عنوان آگاهی از دنیا و جایگاه انسان در دنیا شرح می‌دهد.

بر اساس یافته‌های المر، مک دونالد و فریدمن^۵ (۲۰۰۳) هوش معنوی باعث کاهش بیماری‌ها و افزایش طول عمر می‌شود و به نظر می‌رسد افرادی که به معنویت تمایل دارند هنگام مواجهه با آسیب و تروما واکنش بهتری نسبت به درمان دارند و به آن پاسخ می‌دهند (المر، مک دونالد و فریدمن، ۲۰۰۳) و افسردگی کمتری دارند (مک دونالد و

^۱ intelligence quotient

^۲ Zohar, D., & Marshal, I.

^۳ spiritual intelligence

^۴ Tony Buzan .

^۵ Elmer, L., & MacDonald, D., & Friedman, H.

فریدمن، ۲۰۰۲). هم‌چنین یافته‌های عابدی و سرخی (۱۳۸۷) حاکی از آن است که هوش معنوی با روان‌نژندی رابطه‌ی منفی و با برون‌گرایی و با وجدان بودن رابطه‌ی مثبت دارد. بر اساس پژوهش لطفی و سیار (۱۳۸۷)، هوش معنوی با سلامت روان ارتباط دارد. هم‌چنین پژوهش یعقوبی و همکاران نشان داد که بین هوش معنوی و بهداشت روان دانشجویان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷) و جین و پارویت^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی هوش معنوی افراد سالخورده‌ی مقیم سرای سالمندان را با هوش معنوی سالمندان ساکن خانه مقایسه کردند به این نتیجه رسیدند که سالمندان در بسیاری از حوزه‌های هوش معنوی مثل خدا، مذهب، ارتباطات درون فردی، توانایی غلبه بر رنج و توانایی داشتن هوش معنوی درباره‌ی مرگ تفاوت معناداری دارند.

اما علاوه بر هوش معنوی، در سال‌های اخیر درباره‌ی هوش اجتماعی^۲ نیز بحث شده است که اولین بار ثراندیک^۳ این بحث را مطرح کرد. به عقیده‌ی ثرندیک هوش اجتماعی نشان‌دهنده‌ی قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی است که به خوب کنار آمدن با دیگران و روابط اجتماعی موفق منجر می‌شود (برادبری و گریوز، ترجمه‌ی ابراهیمی، ۱۳۸۷). در تعریف هوش اجتماعی از یک طبقه‌ی کلی صحبت می‌شود، یعنی ظرفیت درک رخدادها و پاسخ مؤثر شخصی و اجتماعی (لیورگود، ۲۰۰۹). دانیل گلمن^۴ (۲۰۰۷) معتقد است هوش بین فردی یا هوش اجتماعی، یعنی مهارت عاطفی که برای حفظ ارتباطات نزدیک در دوستی‌ها، ازدواج یا ارتباط شغلی، اساسی است. این مهارت‌ها در کودکی شکل می‌گیرد و در طول زندگی بروز می‌یابد.

¹ Jain, M., & Purohit, P.

² social intelligence

³ Thorndike.

⁴ Daniel Goleman.

نادری و حاجی زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هوش اجتماعی با شادکامی رابطه‌ی مثبت و با پرخاشگری ارتباط منفی دارد. میجس^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی ثابت کردند که هوش اجتماعی با میزان محبوبیت ارتباط دارد، اما با پیشرفت تحصیلی رابطه‌ای ندارد.

با آن که انسان نیز مانند دیگر مخلوقات تولد، بیماری، جوانی، بلوغ، سالخوردگی و مرگ را تجربه می‌کند، اما این تنها انسان است که می‌داند روزی خواهد مرد و پایان کار خویش را انتظار می‌کشد و می‌کوشد تا با تدابیر و دوراندیشی‌های خاصی از خود در برابر نابودی محافظت کند (الیاس، ترجمه‌ی مهرگان و نجفی، ۱۳۸۵). اما مرگ پدیده بیگانه‌ای نیست که از بیرون به قلمرو حیات تجاوز کند. مرگ تصادف نیست، بلکه قانونی است که از ابتدای حیات با زندگی پیوسته است. پس، انسان ناچار است که درباره‌ی مرگ بیندیشد برای شناخت آن بکوشد. اما تفکر در باره‌ی مرگ بهایی دارد که انسان باید بپردازد و آن گذران عمر در سایه‌ی ترس از مرگ است. ترس از مرگ، هراس از ناشناخته‌ها نیست، بلکه این ترس بسیاری از ترس‌های دیگر زندگی را که در محرومیت‌ها و شکست‌ها انعکاس می‌یابد، دربر می‌گیرد (معمدی، ۱۳۸۶). اضطراب مرگ صرفاً اضطراب دور دستی نیست که در پایان راه به انتظار نشسته باشد، بلکه اضطراب نهفته‌ای است که به نهانگاه‌های احساس رخنه می‌کند تا جایی که گویی طعم مرگ را در همه چیز می‌چشیم. در اواخر عمر، سالخوردگان به مرگ می‌اندیشند و در باره‌ی آن صحبت می‌کنند. تغییرات جسمانی، ضعف بیشتر در برابر بیماری‌ها، معلولیت و از دست دادن خویشاوندان و دوستان، شواهد بیشتری برای مرگ در بزرگسالی هستند. داشتن کمی اضطراب در باره‌ی مرگ طبیعی است، اما چنان‌چه این اضطراب خیلی شدید باشد سازگاری کارآمد را تضعیف می‌کند (برک، ۲۰۰۱، ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۸۷).

¹Meijs,N.

بر اساس تحقیق سهیل و اکرم^۱ (۲۰۰۲) زنان، افراد مسن و کسانی که اعتقادات مذهبی ضعیف تری دارند، نسبت به مرگ قریب الوقوع ترس بیشتری از خود نشان می دهند. هم چنین سروندیان و حسن پور (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ترس از مرگ و احساس تنهایی زنان و مردان سالمند رابطه ی معناداری وجود دارد. هم چنین چینبال^۲ و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی همبستگی های روانی، اجتماعی - معنوی را با اضطراب مرگ در بیمارانی که زندگی شان با وضعیت های پزشکی تهدید می شد، بررسی کردند؛ نتیجه ی این پژوهش نشان داد که تجربه ی اضطراب مرگ در این بیماران با ابعاد روانی اجتماعی - معنوی ارتباط دارد و توجه به این ابعاد ممکن است مانعی برای تأثیرات منفی اضطراب مرگ باشد

در زمینه ی ارتباط هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ، به دلیل جدید بودن سازه های هوش معنوی و هوش اجتماعی، پژوهشی که مستقیماً رابطه ی این متغیرها با اضطراب مرگ را بررسی کند، یافت نشد. اما با توجه به جمعیت رو به رشد سالمندان که به اعتقاد برخی ناظران به عنوان بزرگ ترین منبع طبیعی گاه از آن غفلت شده است و توجه به سالمندی به عنوان برهه ای از زندگی که یا در حال سپری کردن آن هستیم و یا در آینده آن را سپری خواهیم کرد و در نظر گرفتن رایج بودن اندیشه ی مرگ در میان سالخوردگان در مقایسه با دیگر گروه های سنی، توجه به عوامل کاهش میزان اضطراب مرگ در این گروه ضرورت می یابد. بر اساس شواهد معنویت می تواند در کاهش اضطراب مرگ مؤثر باشد و با توجه به افزایش معنویت در بزرگسالی، سالمندان در این دوره احساس معنویت پخته تری را پرورش می دهند پس با توجه به اجتماعی بودن انسان به عنوان که هوشمند بودنش او را دیگر موجودات متمایز می کند و ناگزیر از داشتن زندگی اجتماعی است، رابطه ی هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ سالمندان بررسی شد.

¹ Suhail, K., & Akram, S.

² Chinball, J. T.

روش

این پژوهش یک مطالعه‌ی توصیفی - همبستگی است. نمونه‌ی آماری این تحقیق دویست سالمند شهر اهواز با محدوده‌ی سنی ۶۵ سال و بالاتر بودند که با روش نمونه‌گیری مرحله‌ای انتخاب شدند بدین ترتیب که از مناطق هشت گانه‌ی اهواز چهار منطقه و از بین کانون‌های بازنشستگان این مناطق چهار کانون و از روی فهرست بازنشستگان این کانون‌ها، آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند.

۸۸ نمونه (۴۴٪) زن ۱۱۲ نمونه (۵۶٪) مرد بودند. پایین‌ترین سن ۶۵ و بالاترین سن ۱۰۰ سال با انحراف معیار ۴/۹۲ و میانگین ۶۸/۲۲ سال بود. بیشترین فراوانی در کل نمونه‌ها (هم در زنان و هم در مردان) مربوط به دامنه‌ی سنی ۶۵ تا ۷۵ سالگی تعلق بود. بیشتر، فراوانی را در زنان سالمند بی‌سواد بودند. در حالی که ۳۶/۵٪ کل نمونه‌ها را مردان سالمند با تحصیلات زیر دیپلم تشکیل می‌دادند. تحصیلات بالای دیپلم چه در زنان و چه در مردان سالمند نمونه کمترین فراوانی را داشت. مردانی که همسران خویش را از دست داده بودند در نمونه‌ی آماری کمترین فراوانی را داشتند و زنان سالمند بیشتر بدون همسر بودند. ابزارهای به کار رفته در این پژوهش یکی مقیاس هوش معنوی ISIS^۱ بود که یک ابزار خودگزارشی است.

این مقیاس را امرام و دریر^۲ در سال ۲۰۰۷ ساختند و دو فرم کوتاه و بلند دارد که فرم بلند شامل ۸۳ آیتم و فرم کوتاه آن شامل ۴۴ آیتم است. با افزودن یک سؤال ملاک به آیتم‌های فرم کوتاه در مجموع، فرم کوتاه‌این پرسشنامه ۴۵ آیتم دارد. در این پژوهش مقیاس هوش معنوی ISIS برای اولین بار در ایران اعتباریابی شد. هم‌چنین پایایی فرم کوتاه‌این مقیاس با روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد. مقادیر ضرایب پایایی برای کل

¹ integrated Spiritual Intelligence Scale

² Amram., & Dryer.

مقیاس به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۵ است. اعتبار همزمان این مقیاس با مقیاس نگرش مذهبی برابر ۰/۴۱ در سطح معناداری ($P \leq 0/0001$) به دست آمد. هم‌چنین ضریب همبستگی مقیاس هوش معنوی با پرسش ملاک محاسبه و مشخص شد که بین پرسش نامه‌ی هوش معنوی و خرده مقیاس های آن با پرسش رابطه‌ی معنی داری ملاک رابطه‌ی معنی داری وجود دارد ($r = 0/57, P < 0/0001$).

ابزار دیگری که در این پژوهش از آن استفاده شد مقیاس هوش اجتماعی ترومسو^۱ بود. این مقیاس را که ۲۱ آیتم دارد، سیلورا، مارتینوسن و دال^۲ در سال ۲۰۰۱ ساختند و اعتبار و پایایی آن را در نروژ محاسبه کردند. نادری و حاجی زاده (۱۳۸۷) برای بررسی اعتبار این مقیاس آن را هم‌زمان با مقیاس هوش هیجانی برای اولین بار در ایران روی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اهواز اجرا کردند. ضریب همبستگی برای کل مقیاس برابر $r = 0/60$ به دست آمد. ضرایب پایایی هوش اجتماعی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۰ محاسبه شد بیانگر پایایی قابل قبول این مقیاس است. در پژوهش حاضر این مقیاس هم‌زمان با مقیاس هوش هیجانی اجرا شد که ضریب اعتبار هم‌زمان آن با هوش هیجانی $r = 0/65$ ($P \leq 0/0001$) و ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

مقیاس اضطراب مرگ کالت - لستر^۳ ابزار دیگری بود که در این پژوهش به کار گرفته شد. مقیاس بازنگری شده‌ی اضطراب مرگ کالت - لستر ابزار خود سنجی ۳۲ آیتمی است که برای سنجش میزان ترس از مرگ و اضطراب مرگ است. فرم ابتدایی این مقیاس را کالت و لستر در سال ۱۹۶۹ طراحی کردند و نادری و اسماعیلی (۱۳۸۷) فرم تجدید نظر شده‌ی این مقیاس را برای اولین بار در ایران دویست دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

¹ Tromso Social Intelligence Scale

² Silvera, Martinussen ., &Dahl

³ Collet - Lester Fear of Death Scale

اهواز اجرا کردند که ضریب پایایی آن با دو روش آماری آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برابر ۰/۸۹ و ۰/۶۸ و اعتبار هم زمان این مقیاس با مقیاس اضطراب مرگ تمپلر^۱ برابر ۰/۵۷ در سطح معناداری ($P \leq 0/0001$) به دست آمد که بیانگر اعتبار قابل قبول این پرسش نامه است. در این پژوهش نیز این مقیاس همبستگی به منظور تعیین اعتبار هم زمان با مقیاس اضطراب مرگ تمپلر هم زمان اجرا و محاسبه شد و ضریب اعتبار هم زمان آن برابر با $r = 0/57$ به دست آمد که در سطح معنادار و قابل قبولی است. ($P \leq 0/0001$). هم چنین ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. اطلاعات این پژوهش به وسیله نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری) تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

جدول ۱: ضرایب همبستگی ساده بین هوش معنوی با میزان اضطراب مرگ سالمندان در کل نمونه و

برحسب تفکیک جنسی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری	ضریب همبستگی	سطح معنادار	فراوانی
هوش معنوی	میزان اضطراب مرگ	کل سالمندان	-۰/۴۰۷	۰/۰۰۰۵	۲۰۰
		زنان	-۰/۴۲		۱۰۰
		مردان	-۰/۴۰		۱۰۰

چنان که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، نتایج رابطه‌ی معناداری بین هوش معنوی و میزان اضطراب مرگ در کل نمونه‌ها آمده است ($r = -0/407, P \leq 0/0005$). بالا بودن سطح هوش معنوی نشان دهنده‌ی کاهش میزان اضطراب مرگ در کل نمونه‌هاست.

^۱Templer.

جدول ۲: ضرایب همبستگی ساده بین هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ سالمندان در کل نمونه‌ها و برحسب تفکیک جنسی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری		فرآوانی
		ضریب همبستگی	سطح معنادار	
هوش اجتماعی	میزان	۰/۱۱	۰/۱۲	۲۰۰
	اضطراب	۰/۱۵	۰/۰۹	۱۰۰
	مرگ	۰/۰۹	۰/۱۱	۱۰۰

براساس جدول شماره ۲، بین هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ در کل نمونه‌ها رابطه‌ی معناداری وجود ندارد ($P=0/12$). به عبارتی، بالا بودن میزان هوش اجتماعی نشانگر معنی داری برای میزان اضطراب مرگ در کل نمونه نیست.

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه بین هوش معنوی و هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ سالمندان زن و مرد

مرحله‌ای (Stepwise)	شاخص های آماری		ضریب تعیین تعدیل شده (A)RS	نسبت F احتمال P	ضرایب رگرسیون (β)
	متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک			
مرگ اضطراب	هوش معنوی	۰/۴۰۷	۰/۱۶۶	$F=4/25$ $P=0/005$	$\beta = -0/28$ $T = -6/3$ $p = 0/04$
	هوش اجتماعی	۰/۴۰۷	۰/۱۶۶	$F=4/25$ $P=0/005$	$\beta = -0/28$ $T = -6/3$ $p = 0/04$

طبق نتایج جدول فوق، تنها یکی از متغیرهای مستقل یعنی سطح هوش معنوی در پیش بینی متغیر ملاک نقش معناداری دارد.

بحث

با توجه به نتایج، مشخص شد که بین هوش معنوی با اضطراب مرگ سالمندان رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر بالا- یعنی هوش معنوی و اضطراب مرگ برابر $-0/407$ به دست آمد که در سطح $0/0005$ معنادار است ($P \leq 0/0005$)، بدین ترتیب، بالا بودن سطح هوش معنوی باعث کاهش اضطراب مرگ در کل نمونه‌ها شده بود. یافته‌های این پژوهش با برخی یافته‌های قبلی جین و پارویت (۲۰۰۶) و سهیل و اکرم (۲۰۰۲) همخوانی دارد. با توجه به جدید بودن سازه‌ی روان‌شناختی هوش معنوی و محدودیت پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، پژوهشی که رابطه‌ی هوش معنوی با اضطراب مرگ را مستقیماً بررسی کند، یافت نشد.

بر اساس نتایج، بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ سالمندان رابطه‌ی معناداری به دست نیامد. ضریب همبستگی بین هوش معنوی و اضطراب مرگ $r = 0/11$ ($P \leq 0/12$) بود که نشان می‌دهد در این پژوهش بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ سالمندان رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به دلیل جدید بودن موضوع هوش اجتماعی، پژوهشی در داخل یا خارج از ایران یافت نشد که مستقیم یا غیر مستقیم با موضوع تحقیق مرتبط باشد. در نتیجه مقایسه‌ی نتایج به دست آمده با یافته‌های پیشین امکان پذیر نبود. هم چنین بر اساس نتایج آزمون، بین متغیرهای مستقل یعنی سطح هوش معنوی و هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ سالمندان رابطه‌ی چندگانه‌ی معناداری وجود ندارد.

ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی متغیرهای هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ برابر با ۰/۴۱۲ بود که با توجه به مقدار p به دست آمده ($P = ۰/۳۲$) معنادار نبود. با توجه به چگونگی رابطه‌ی بین متغیرهای هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ ترتیب ورود متغیرهای پیش بین در معادله‌ی رگرسیون با تقدم هوش معنوی (مبتنی بر وجود رابطه‌ی معنادار این دو متغیر) بر هوش اجتماعی (نبود رابطه‌ی معنی دار بین دو متغیر) با روش گام به گام پی گیری شد. نتایج نشان داد که از میان متغیرهای پیش بین، یعنی هوش معنوی و هوش اجتماعی، تنها هوش معنوی پیش بینی کننده‌ی معنادار اضطراب مرگ سالمندان بود و هوش اجتماعی نقش معناداری نداشت.

درخصوص و تبیین نتایج این پژوهش می توان گفت معنویت متضمن خود پنداره‌ی مثبت، احساس رضایت از خود و زندگی و خشنود بودن از نتایج حاصل و فرجام امور است. اسلام با مذاهب چندگانه اش در ایران همه گیر است. داشتن خودپنداره‌ی مبتنی بر مذهب یا تعبیر مذهبی زندگی فردی، اعتقاد به اشرف مخلوقات و خلیفه و جانشین خدا بودن در زمین (انی جاعل فی الارض خلیفه؛ بقره: ۳۰)، آگاه و تحت آموزش مستقیم خدا بودن (علم آدم الاسماء کلها؛ بقره: ۳۱) و بیش از فرشتگان درگاهش مقرب بودن (و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا.؛ بقره: ۳۴) متضمن شرایط استمرار خویش است. کسی که برای پایان زندگی فردی، تفسیری مذهبی دارد و مرگ گذر از این جهان به آن جهان، از زندگی فانی به زندگی جاودانه و نقطه‌ی عطف رسیدن به ابدیت می داند و معتقد است که همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم (.. ثم الیه راجعون؛ بقره: ۲۸. انالله و انا الیه راجعون؛ بقره: ۱۵۶). نه تنها نگاهی منفی به مرگ ندارد بلکه آن را رسیدن و پیوستن به خالق خود تلقی می کند. معنویت به عنوان هدیه‌ای آسمانی موقعیت از دست رفته‌ی انسان را به او می بخشد و جایگاه گم شده و فراموش شده‌ی او را به وی یادآوری می کند، مفهوم و معنای مرگ را برای انسان دیگرگونه می کند تا اضطراب او از پدیده‌ی

مرگ و پایان یافتن خوشی‌ها و لذت‌ها و گاه دردها و رنج‌ها و آلام التیام نیافته و زخم‌های شفا نیافته کاهش یابد و پناهی شود تا در سایه سار آن آرام و قرار گیرد (لایذقون الموت الا الموته الاولى؛ الدخان: ۵۶). معنویت مذهبی به انسان جاودانگی ر وعده می‌دهد (و هم فیها خالدون؛ بقره: ۲۵، آل عمران: ۱۵ و ۱۳۶؛ و جاودانه زیستن در جهانی عاری از رنج و درد و زشتی و ناپاکی (لهم فیها ازواج مطهره؛ آل عمران: ۱۵). البته کسانی که معنویت را پاس داشته‌اند و برای دست‌یابی به لذت‌های نامشروع و خوشی‌های ناپایدار و نابهنجار از حدود و محرمات تعریف شده فراتر نرفته‌اند، به این جاودانگی می‌رسند. معنویت مذهبی نوید جهانی سرشار از زیبایی‌تن و جان (و زوجناهم بحور عین؛ الدخان: ۵۴)، سبزه و آب روان (جنات تجری من تحتها الانهار؛ آیه ۲۵ و آل عمران: ۱۴ و ۱۳۶)، شیرینی کام (یدعون فیها بكل فاکهه امنین؛ الدخان: ۵۵) و کلام (اهالی بهشت جز به نکویی با هم سخن نمی‌گویند است. دوری جستن از ناخوشی‌ها و نابهنجاری‌های پنهان در روابط اجتماعی جاری و بی‌تأثیر و خزیدن به پناهگاه امن و نوید بخش معنویت در دوران پیری بسیار محتمل است. کاهش توانایی لازم و انرژی ضروری یا حتی ناتوانی در تعاملات اجتماعی زنده و مؤثر و اعتقاد به پایان یافتن همه‌ی روابط به جای داشتن افق‌های فراخ روابط مؤثر و مراودات اجتماعی دوران پیش از سالمندی از دیگر ویژگی‌های دوران پیری است. گرچه پیری و سالمندی به معنای انزوای اجتماعی، گوشه‌گیری و عزلت‌نشینی مطلق نیست، اما زندگی سالمندی عموماً بر تکرار کمترین فعالیت‌های حیاتی لازم و کاهنده پیش می‌رود. کاهش روابط مؤثر اجتماعی و محدودیت تعاملات اجتماعی به علت سالمندی و کهولت با ناتوانایی‌های جسمانی و کاهش فرایندهای فکری و روان‌شناختی همراه است.

اگر از جهتی، هوش معنوی و هوش اجتماعی را به ترتیب تأملات فردی و تعاملات اجتماعی بدانیم می‌توانیم رابطه‌ی معنادار هوش معنوی را با اضطراب مرگ حاصل تأملات

فردی و در خودفرورفتگی سالمند اهوازی و پناه بردن به معنویت و نگاه به نویدهای خوش فرجام آن تلقی کنیم. و نیز نبود رابطه‌ی معنادار بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ بر زمینه و یا ناشی از گریز از تعاملات اجتماعی و روابط جمعی شکل گرفته است. بر همین اساس تنها پیش بینی کننده‌ی معنی دار اضطراب مرگ در این پژوهش متغیر هوش معنوی بود. نظریه‌ی کناره گیری اجتماعی و عقب نشینی سالمند از اجتماعش در راستای تبیین چنین نتایجی استحکام می یابد. و مؤید یافته‌های این پژوهش است.

با توجه به اهمیت نقش هوش معنوی و هوش اجتماعی در زندگی پیشنهاد می شود جوانان و میانسالان بیشتر به پژوهش های این چینی بپردازند. در پایان از همه ی سالمندان عزیزی که پژوهشگران را در انجام این پژوهش یاری کردند، تشکر و قدردانی می کنیم.

Archive of SID

منابع

- اسماعیلی شاه سید علی اکبری، الهه. (۱۳۸۷). *اعتبار یابی مقیاس اضطراب مرگ و مقایسه میزان اضطراب مرگ، گرایش به خودکشی و رضایت از زندگی در دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- الیاس، نوربرت. (۲۰۰۱). *تنهایی دم‌مرگ*. (مترجم، امید مهرگان و صالح نجفی، ۱۳۸۵). تهران: انتشارات گام نو.
- برادبری، تراویس و جین گریوز. (۲۰۰۳). *EQ چیست و چرا مهم تر از IQ است*. (مترجم، هادی ابراهیمی، ۱۳۸۷). تهران: نشر نو اندیش.
- برک، لورا. ای. (۲۰۰۱). *روانشناسی رشد*. (جلد دوم). (مترجم، یحیی سید محمدی، ۱۳۸۷). تهران: نشر ارسباران.
- سروندیان، نگین و نسرین حسن پور. (۱۳۸۲). *مقایسه‌ی احساس تنهایی و ترس از مرگ در زنان و مردان سالمند سرای سالمندان شهرستان اهواز در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۶). *نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*. تهران: انتشارات سخن.
- حاجی زاده، میترا. (۱۳۸۷). *اعتباریابی مقیاس هوش اجتماعی و رابطه‌ی آن با شادکامی و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- عابدی، فرشته و زهرا سرخی. (۱۳۸۷). *رابطه‌ی بین هوش معنوی و صفات شخصیت در بین افراد ۵۰ - ۱۹ سال شهر ساری*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- لطفی، محدثه و سمیه سیار. (۱۳۸۷). *رابطه‌ی بین هوش معنوی و سلامت روان افراد ۱۵ سال به بالا در شهرستان بهشهر*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- معمدی، غلامحسین. (۱۳۸۶). *انسان و مرگ: درآمدی بر مرگ‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.

یعقوبی، ابوالقاسم و دیگران. (۱۳۸۷). *رابطه ی بین هوش معنوی و بهداشت روان دانشجویان دانشگاه*

بوعلی سینا ی همدان. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز.

Buzan, T. (2001). *The power of spiritual intelligence as A warness of world and your place in it*. Harper Collins. Retrived from: [http://en.Wikipedia.org/wiki/spiritual intelligence](http://en.Wikipedia.org/wiki/spiritual_intelligence).

Chinball, J. T., Videen, S. D., Duckro, P. N., & Miller, D. K. (2002). *Psychosocial-spiritual correlates of death distress in patients with life threatening medical conditions*. Department of psychiatry, Saint Louis University School of medicine, Missouri 63104, USA. chinbnajt@slu.edu

Elmer, L., MacDonald, D., & Friedman, H. (2003). Transpersonal psychology, physical health, and mental health: Theory, research and practice. *Humanistic Psychologist*, 31: 159-181.

Goleman, D. (2007). *Social Intelligence: the new science of human relationships*. (p.82). New York: Random House.

Jain, M., & Purohit, P. (2006). Spiritual Intelligence: A Contemporary Concern with Regard to Living Status of the Senior Citizens. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 32(3): 227 – 233.

Livergood, N. D. *Social Intelligence: A New Definition of Human Intelligenc*. Retrieved July 5, from <http://www.hermes-press.com/socient4.htm>.

MacDonald, D., & Friedman, H. (2002). Assessment of Humanistic, Transpersonal and spiritual constructs: State of the science. *Journal of Humanistic Psychology*, 42(4): 102-125.

Meijs, N., Cillessen, A. H. N., Scholte, R. H. J., Segers, E., & Spijkerman, R. (2008). *Social Intelligence and Academic Achievement as Predictors of Adolescent Popularity*. (pp.62-72). Behavioural Science Institute, Radboud University Nijmegen.

Suhail, K., & Akram, S. (2002). Correlates of death anxiety in pakistan. *Death stud*, 26(1):39-50.

Zohar, D., & Marshal, I. (2000). *SQ: Connecting with our spiritual intelligence*. (p.7). New York: Bloomsbury.